

تعریف دین

شاید نتوان درباره پدیده‌های جهان، تعریف کاملی ارائه داد. تعریف در اصطلاح باید جامع و مانع باشد؛ یعنی همه موارد خودی را در برگیرد. (جامع افرادش باشد) و همه موارد بیگانه را بیرون کند. (مانع اغیار باشد) اما چنین تعریفی در بیشتر موارد، بسیار سخت و شاید غیر ممکن است و تعریفها برخی از جوانب موضوعات را نشان می‌دهند.

یکی از موضوعاتی که به سختی تعریف می‌شوند، «دین» است. علت این امر تنوع بسیار زیاد ادیان (حق و باطل) در جوامع بشری است.

دانشمندان برای پیدا کردن یک یا چند وجه اشتراک در تعریف ادیان کوشیده‌اند، ولی کارشان به جایی نرسیده است. این امر موجب شده است که تعریف‌های بی شماری برای «دین» ارائه شود که هیچ کدام از آنها جامع همه ادیان و مانع موارد بیگانه نیست.

چند نمونه از تعریف‌ها:

۱: «دین» به معنای اعتقاد به یک امر قدسی است.

۲: «دین» یعنی ایمان به موجودات روحانی.

۳: «دین» عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت هستند.

۴: انسان‌ها به منظور حفاظت از خود و همچنین به خاطر درجه‌ای از نیاز، به مراسم، عادت‌ها، دعاها، التماس‌ها و قربانی کردن‌هایی رو می‌آورند که مجموعه آنها «دین» نامیده می‌شود.

۵: «دین» عبارت است از دسته‌ای همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی که این باورها و عقاید، همه کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند.

این تعریف‌ها که از سوی دانشمندان ارائه شده تعاریف بسیار ناقصی است. اگر ادیان بشری را در نظر بگیریم می‌توانیم دین را بهتر تعریف کنیم. مثلاً برخی گفته‌اند: «دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات عملی متناسب با این عقاید است. از این رو، کسانی که معتقد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان نیستند بی دین حساب می‌شوند.»

البته در این تعریف نیز دین به حق و باطل تقسیم می‌شود:

دین حق، آیینی است که دارای عقاید درست و صحیح و مطابق با واقع بوده و رفتارهایی را مورد توصیه و تاکید قرار می‌دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار برخوردار باشند و دین باطل چنین نیست.

این تعریف، گرچه نسبت به تعریف‌های قبلی، بهتر است اما باید دانست که در تعریف دین، نباید بین «دین» و «تدین»، و بین «دین» و «ایمان» خلط کرد.

توضیح آنکه برخی، دین را به باور و اعتقاد تعریف کرده و می‌گویند: «دین، اعتقاد به هستی‌های روحانی است» یا گفته‌اند: «دین، نظام یک پارچه‌ای از باورها و عمل‌کردهای مرتبط به چیزهای مقدس است که از طریق آن‌ها گروهی از آدم‌ها با مسایل غایی زندگی بشری کلنجار می‌روند.»

پیداست که در این تعاریف، بین دین و ایمان، و تدین و دین‌داری خلط شده است. در حالی که ایمان و تدین با دین فرق دارد؛ زیرا تدین و ایمان، وصف انسان است، ولی دین، حقیقتی پیام‌گونه است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار می‌دهد.

مناسب‌ترین تعریف برای دین

از این‌رو، مناسب‌ترین تعریف برای دین چنین است: «دین» مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد، هم درباره اصول گرایشی وی سخن می‌گوید و هم اخلاق و شؤون زندگی او را زیر پوشش دارد.

به بیان دیگر، «دین» مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد.

لازم به ذکر است که در این مجموعه از یادداشت‌ها، واژه «دین» و «ادیان» در مورد همه آیین‌ها، اعم از صحیح، باطل، منسوخ، تحریف شده و جعلی به کار خواهد رفت تا با آنها آشنا شویم، همان‌طور که خداوند متعال در قرآن کریم به کافران فرموده است: «لکم دینکم و لی دین» (کافرون/ ۶)

اصول و فروع دین

با توجه به توضیحی که درباره مفهوم اصطلاحی دین، داده شد روشن شد که هر دینی دست کم از دو بخش، تشکیل می‌شود:

۱- عقیده یا عقایدی که حکم پایه و اساس و ریشه آن را دارد. ۲- دستورات عملی (قوانین و اخلاق) که متناسب با آن پایه یا پایه‌های عقیدتی و برخاسته از آنها باشد.

بنابراین، به جاست که بخش عقاید در هر دینی «اصول»، و بخش احکام عملی «فروع» آن دین نامیده شود.

جهان‌بینی و ایدئولوژی

واژه‌های جهان‌بینی و ایدئولوژی، به معانی مشابهی به کار می‌رود، از جمله معانی جهان‌بینی این است: «یک سلسله اعتقادات و بینشهای کلی هماهنگ درباره جهان و انسان، و به طور کلی درباره هستی».

از جمله معانی ایدئولوژی این است: «یک سلسله آراء کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسان».

طبق این دو معنی می‌توان سیستم عقیدتی و اصولی هر دین را جهان‌بینی آن دین و سیستم کلی احکام عملی آن را ایدئولوژی آن به حساب آورد و آنها را بر اصول و فروع دین، تطبیق کرد.

ذکر این نکته لازم است که گاهی کلمه ایدئولوژی به معنای عامی به کار می‌رود که شامل جهان‌بینی هم می‌شود.

مذهب یعنی چه؟

«مذهب» به مکتب‌های فکری درون یک «دین» مانند مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت اطلاق می‌شود.

در غرب، واژه «Religion» به معنای مکتب‌های درون یک دین و به معنای خود دین به کار می‌رود و حدود نیم قرن است که متجددان کشور ما تحت تاثیر این موضوع، کلمه «مذهب» را به معنای دین به کار می‌برند.

ملت یعنی چه؟

«ملت» در لغت به معنای روش و آیین است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ بگو: پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده آیینی پا برجا (و ضامن سعادت دین و دنیا) آیین ابراهیم که از آیین‌های خرافی روی برگرداند و از مشرکان نبود.» (انعام/۱۶۱)

«ملت» در اصطلاح به مجموعه ادیان توحیدی اطلاق می‌شود و علمای اسلام واژه «ملت» را برای اسلام به کار می‌برند.

ضمناً کلمه «ملت» در زبان فارسی به معنای توده مردم هم استعمال می‌شود.

دین از منظر جامعه‌شناسان

به نظر جامعه‌شناسان، دین، دست کم در مراحل نخستین خود، سخت به جادوی ابتدایی می‌ماند؛ به این معنا که جادوگر و دیندار، هر دو می‌کوشند تا با تدبیری، هستی را بر سر مهر آورند و آسایش خود را تامین کنند.

پس هر دو ندا می‌دهند و از نیروهای مطلوب خود یاری می‌جویند؛ با این تفاوت که اولی نیروهای یاری رسان و راحت بخش را در طبیعت می‌داند، ولی دومی آنها را در ماورای طبیعت می‌جوید.

تفاوت دیگر اینکه اولی برای دست یافتن به نیروهای دور دست غیر طبیعی، راهی جز تضرع نمی‌یابد. جادوگر بر نیروهای طبیعی عمل می‌کند و آنها را به همراهی می‌خواند، اما دیندار از نیروهای غیرطبیعی می‌خواهد که او را در مقابل نیروهای طبیعی دریابند. جادوگر به شیء مورد عمل خود، آمرانه می‌گوید: «یار من باش!»، دیندار صرفاً استرحام می‌کند.

از این رو، دور از انتظار نیست که جامعه‌شناسان هنگام سخن گفتن درباره دین، کاری به جنبه آسمانی آن نداشته باشند و آن را ساخته ذهن بشر و تکامل یافته جادو بدانند که برای تامین نیازهای معیشتی ساخته شده است.

با توجه به این عبارات پر مغالطه، مبانی و اصول جامعه‌شناسی فعلی غرب، بیشتر آشکار می‌شود و نیز روشن می‌شود که اگر دانشمندی از منظر جامعه‌شناسی فعلی و رایج به دین (الیه اعم از دین حق و باطل و ...) بنگرد چیزی جز این نخواهد یافت و از اینجاست که ضرورت تحول و بازنگری در علوم انسانی روشن‌تر می‌شود.

فایده‌آشنایی با ادیان جهان

نخستین فایده مطالعه و بررسی هر موضوعی، ارضای حس کنجکاوی است. انسان ذاتاً کنجکاو است و دوست دارد از چیستی و چگونگی عقاید، افکار و اعمال دیگران مطلع باشد.

دومین فایده آشنایی با ادیان جهان این است که مطالعه افکار، اعمال و تاریخ ادیان باعث می‌شود تاثیر شگفت آور دین در زندگی بشر و نقش آن در رشد و شکوفایی علم و هنر روشن شود.

سومین فایده این است که تحقیق درباره ادیان برای دینداران سود معنوی دارد و به باورهای دینی ایشان عمق می‌بخشد. حق را از باطل بهتر تشخیص می‌دهند و آنان در بحث خود، کژی‌ها و نابهنجاری‌های ادیان دیگر را می‌فهمند.

چهارمین فایده این است که در این راستا، فهم درست اعتقادات و اعمال دینی ملتها میسر می‌شود و تنها پس از آن می‌توان راه راست را به آنان نشان داد و کاستی‌های آن ادیان را تفهیم کرد.

دسته‌بندی ادیان

ادیان را می‌توان از جنبه‌های گوناگون دسته‌بندی کرد:

الف: ادیان ابتدایی مانند آنچه میان اقوام ابتدایی دیده می‌شود، ادیان قدیم مانند آیین‌های منقرض شده خاورمیانه، و ادیان پیشرفته مانند ادیان بزرگ کنونی.

ب: ادیان ساده مانند آنیمیزم و توتیزم، ادیان فلسفی مانند هندوئیسم و بودیزم، و ادیان وحیانی مانند زردشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام.

ج: ادیان غیر توحیدی مانند هندوئیسم، بودیزم و شینتو، و ادیان توحیدی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام.

کیفیت پیدایش ادیان گوناگون

درباره کیفیت پیدایش ادیان مختلف، در میان دانشمندان تاریخ ادیان و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، اختلافاتی وجود دارد. ولی بر اساس آنچه از مدارک اسلامی به دست می‌آید باید گفت:

تاریخ پیدایش دین، همزمان با پیدایش انسان است و اولین فرد انسان کنونی حضرت آدم علیه‌السلام پیامبر خدا و منادی توحید و یگانه پرستی بوده، و ادیان شرک آمیز همگی در اثر تحریفات و اعمال سلیقه‌ها و اغراض فردی و گروهی پدید آمده است.

از جمله تحریف‌هایی که در بعضی از ادیان آسمانی برای جلب رضایت جباران و ستمگران انجام گرفته اینست که دایره دین را محدود به رابطه انسان با خدا و احکام دین را منحصر به مراسم مذهبی خاصی قلمداد کرده‌اند و مخصوصا سیاست و تدبیر امور جامعه را خارج از قلمرو دین، معرفی نموده‌اند در صورتی که هر دین آسمانی، عهده دار بیان همه مطالبی است که مورد نیاز افراد جامعه برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخرویشان است و عقل انسانهای عادی برای شناختن آنها کافی نیست - چنانکه توضیح این مطلب در جای خودش خواهد آمد - و آخرین پیامبری که از طرف خدای متعال مبعوث می‌شود می‌بایست معارف و دستوراتی را که تا پایان جهان، مورد نیاز انسانهاست در اختیار ایشان قرار دهد و از اینرو، بخش مهمی از تعالیم اسلام، مربوط به مسایل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است.

اصول مشترک ادیان توحیدی

ادیان توحیدی که همان ادیان آسمانی و حقیقی هستند دارای سه اصل کلی مشترکند:

الف: اعتقاد به خدای یگانه

ب: اعتقاد به زندگی ابدی برای هر فردی از انسان در عالم آخرت و دریافت پاداش و کیفر اعمالی که در این جهان انجام داده است

ج: اعتقاد به بعثت پیامبران از طرف خدای متعال برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت.

این اصول سه گانه، در واقع، پاسخ‌هایی است به اساسی‌ترین سئوالاتی که برای هر انسان دانا مطرح می‌شود: مبدا هستی کیست؟ پایان زندگی چیست و کجاست؟ راه صحیح کدام است و راهنما چه کسانی‌اند؟

روزها فکر من این است و همه شب سخنم/ که چرا غافل از احوال دل خویشتم؟

از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

در این مجموعه از یادداشت‌ها، با افکار و اعمال ادیان اولیه مصر، یونان، روم، هندوستان (مانند هندوئیسم، جین، بودا و ...)، چین و ژاپن، ایران باستان (مانند زردشت و ...)، یهودیت، مسیحیت و اسلام آشنا خواهیم شد.

کتابنامه این یادداشت:

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹.
۲. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، انتشارات اسراء
۳. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، تهران، انتشارات ابن سینا
۴. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، تهران، انتشارات سروش
۵. کریشنان، رادا، ادیان شرق و فکر غرب، ترجمه رضازاده شفق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۶. گنر، جوزف، سرگذشت دین‌های بزرگ، ترجمه ایرج پزشک‌نیا، تهران، نشر اندیشه
۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، جلد اول و دوم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۸. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۹. واحنجوان، وحید، جزوه درسی افکار و عقاید ادیان جهان، ۱۳۸۹.